



دکتر بصیر کامجو  
دسامبر 2014 لندن

## آموزه هایی از تاریخ خود فرمانی ملی شاه حبیب الله

بنام خداوند جان و خرد  
خداوند نورو خداوند مهر

### اول : ظهور تاریخی شاه حبیب الله :

شاه حبیب الله تاجیک تبار در سال 1890م. در ولایت کابل شهرستان کلکان تولد گردید. و از سال 1920 الی 1922 خدمت زیر بیرق را انجام داد. و در سال 1924 به دوره احتیاط جلب گردید و در سرکوبی شورش جنگ منگل سهم گرفت ، و همچنان به کمک مولوی عبدالحی پنجشیری به شهردوشنبه رفته در صف گروه های مقاوم ملی تاجیکان علیه دولت شوروی سابق به مجاهدت پرداخت .

حبیب الله از سالهای 1926 تا 1928 م. رهبری نیروهای مقاومت مردم شمالی علیه دولت امانی را بعهده داشت. که در این روند مبارزه و مقاومت ، دولت مجبور شد که در برابر نیرو های مقاوم مردم شمالی از در مفاهمه و مصالحه پیش آید . " بر اثر یک توافق نامه ای رسمی میان ایشان و نماینده دولت در سال 1928 از جانب شاه امان الله ، به حبیب الله خان رتبه ژنرالی اعطا گردید . علاوه بر این بر اساس سه فرمان شاه امان الله به حبیب الله هشتاد و دو میل تفنگ 303 بور با مقدار کافی کارتوس داده شد." (1)

بر اثر خود ایستایی و خود ارادیت ، جنبش مقاومت مردم شمالی بر رهبری حبیب الله خان ، سرانجام دولت امانی را در جنوری 1929 سرنگون نمود .

شتاب زدگی در تحقق راهکار های مدنی دولت امان الله که متناسب به پذیرش سطح آگهی شعور اجتماعی جامعه نبود از یکسو ، تطبیق مالیات سنگین ، فقر و تهی دستی و انشفاق و چند گانی قومی ، عدم قانونیت و تراکم انواع مظالم در هم آمیخته اجتماعی و ده ها انگیزه درون کوفته ناشی از حاکمیت مطلقه نظام ، از سوی دیگر ، همه دست بدست هم داده اثرات آسف باری را در حیات اجتماعی مردم بوجود آورده بود .

این ناخرسندی اجتماعی درکل باعث انگیزه شورش و تحرک نیروهای اپوزیسیون در سراسر کشور گردید . از جمله قیام ملا عبدالله گردیزی مشهور به « ملای لنگ » در مارچ 1924 م . ، قیام مردم شینوار و خوگیانی در 1927 م . .

بالاخره قیام مردم شمالی در نوامبر و دسامبر 1928 م . بقیادت حبیب الله مشهور به خادم دین رسول الله بود، که پایه های حاکمیت دولت امانی رالرزان و شکننده ساخت و باعث زوال و سرنگونی آن گردید .

در هنگام تسخیر کابل ، شاه حبیب الله بتاريخ 17 جنوری سال 1929 م . از شاه عنایت الله و اعضای دولت امانی ، بیعت نامه انتقال قانونی حکومت را پذیرفت . وبصورت رسمی بر تخت شاهی افغانستان تکیه زد .

پس از زوال حکمروایی شاهنشاهی دود مان غوریان تاجیک تبار در سال 1215 میلادی ، حبیب الله خان اولین شاه است که ، بعد از گذشت 532 سال حکمروایی دود مان تُرکان و 182 سال واندی حاکمیت پشتونها (افغان ) در سرزمین آریان و خراسان (افغانستان ) بوده که بار دیگر یک تاجیک تبار به سروری تخت شاهی می نشیند . واز 17 جنوری الی 13 اکتوبر 1929 م . بصفت شاه افغانستان خدمت می نماید .

### **دوم : پیدایی وزوال حاکمیت شاه حبیب الله :**

شاه حبیب الله پیش از اینکه حکومت امان الله را سقوط دهد ، نادر خان در پاریس در چند ملاقات پنهانی با سفیر و قنصل بریتانیا جهت تعویض حکومت امانی و بعداً حکومت شاه حبیب الله ، موفق به گزینه های مقدماتی دریافت حمایت سیاسی و نظامی دولت بریتانیا گردیده بود .

با قدرت رسیدن شاه حبیب الله ، نادر خان بیدرنگ با برادران خویش هاشم خان و شاولی خان بتاريخ 23 فبروری 1929 م . از فرانسه به هند برتانوی آمدند و در مرز افغانستان سپاهی از ملیشه های سرحدی را تجهیز کردند و مجالی به آوردن تغییر در ساختار نظام به حکومت نوبنیاد شاه حبیب الله ندادند . و جنگ میان ملیشه های سرحدی نادر خان و نیروهای نظامی حکومت با حدد تمام آغاز شد . از جمله :

" ... جنگی که در غزنی در گرفت بیست هزار سرحدی های پتان که با نادر آمده بودند کشته شدند اما نتوانستند غزنه را تصرف کنند .

اما بنا به وعده های که به هزاره های بامیان از طرف نادر داده شد هزاره ها از عقب به حبیب الله یورش بردند و وی را مجبور به عقب نشینی به زادگاهش کردند .

نادر با این شیوه ولایت غزنی و به همین ترتیب کابل را تسخیر کرد . بعد از تسخیر کابل ، « محمد صادق مجددی » را با یک جلد قرآن شریف که نادر برای یقین دادن عفو حبیب الله از جانب خود مهر و دست خط نموده بود نزد او فرستاد و شاه حبیب الله به قرآن شریف احترام گذاشته ، با بیست تن از یارانش وارد کابل شد . اما نادر خان بی حرمتی به قرآن شریف نموده و خلاف وعده یی خود ، حکم به دار آویختن حبیب الله و یارانش را صادر کرد . بتاريخ 13 اکتوبر 1929 بوسیله پتان های بیرون مرزی تیر باران و بعداً به دار آویخته شدند . " (2)

چون نادر خان ولی نعمت اش بریتانیایی وقت خوب می دانستند که شاه حبیب الله از تبار و خون جمشید و کیومرث ، کاوه و کیقباد ، کوروش بزرگ ، ابومسلم خراسانی و یعقوب لیث صفار ، اسماعیل سامانی ، فردوسی بزرگ و مولانای بزرگ است . و این را هم درک می کردند که با استقرار حاکمیت شاه حبیب الله ، فرهنگ بومی سرزمین آریان - خراسان بار دیگر جای تاریخی خود را احراز می کند و دست آزمند بیگانگان را برای همیشه از میهن خویش کوتاه می سازد و بستر خود فرمانی ملی ، دوستی و همبستگی ملی را میان شهروندان این میهن باستانی ایجاد می نماید .

به پیروی ازین اندیشه بود که شانس تنفس کردن از جانب نادر خان و وحامیان برتانوی اش برای ادامه حیات حاکمیت سیاسی شاه حبیب الله داده نشد. و حکومتش را در هنگام تولد شدن خفه نمودند .

برای شناسی بیشتر مسئله ، که چرا؟ بریتانیای وقت و خاندان آل یحانان از رهبری شاه حبیب الله هراس داشتند . در این مفهوم نهفته است که نیاکان شاه حبیب الله بومی ترین ملیت در سر زمین آریان - خراسان می باشند که زیاده از پنجهزار سال سروری این مرزبوم رابعده داشته اند ، اینک بگونه ایجاز بشرح حکمروایی دوره های تاریخ نیاکان می پردازیم :

اول - شاهنشاهی پیشدادیان بلخ اجداد تاجیکان فارسها و گُرد ها :  
( دوران حکمروایی دوهزار و پانصد و پنجاه و شش سال )

دوم : شاهنشاهی کیانیان بلخ اجداد تاجیکان و فارسها :  
( دوران حکمروایی حدود سیصد سال و اندی )

سوم : شاهنشاهی هخامنشی ها اجداد تاجیکان و فارسها  
( دوران حکمروایی 220 سال )

چهارم : شاهنشاهی اشکانیان سومین سلسله دودمان تاجیکان  
( دوران حکمروایی 476 سال )

پنجم : شاهنشاهی کوشانیان ، چهارمین سلسله دودمان تاجیکان  
( دوران حکمروایی 315 سال )

ششم: پادشاهی طاهریان ، پنجمین سلسله دودمان تاجیکان  
( دوران حکمروایی 52 سال )

هفتم : شاهنشاهی صفاریان ، ششمین سلسله دودمان تاجیکان  
( دوران حکمروایی 141 سال )

هشتم : شاهنشاهی سامانیان ، هفتمین سلسله دودمان تاجیکان  
( دوران حکمروایی 130 سال )

نهم : شاهنشاهی غوریان ، هشتمین سلسله دودمان تاجیکان  
( دوران حکمروایی 67 سال )

**سوم : کنه اهریمنی حاکمیت تک صدایی در افغانستان :**

نادر خان بعد از قتل شاه حبیب الله ویرانش پایه های قدرت و حاکمیت تک صدایی نظام مطلقه شاهی را مستحکم تر ساخت . جهت سرکوب و شکستن غرور و مطیع ساختن مردم ، توانست جنگ و خشم و خشونت و تعرض و تصاحب آفریند . و بیاری گروه های مهاجم سرحدی خود ، دو بار یکی به سال 1929 م. و دیگری به سال 1930 م. بسرکردگی محمد گل مهمند تحت نام این شعار:  
" سرش از من و مالش از شما " بی باکانه مردم شمالی را قتل عام کردند و مرتکب بیشمار جنایت ناموسی شدند.

با بقدرت رسیدن افغانها در سرزمین خراسان از سالهای 1747 میلادی تا کنون کشور ما در دوران 267 سال دارای نظام های سیاسی ای بوده که در آن قدرت و حاکمیت دولتی ( قوه مقننه ، قوه

قضائیه ، قوه اجرائیه ) پیوسته در دست یک شخص قرار داشته است. که وی زیر نام : شاه ، امیر ، رئیس جمهوری و لاغیر هرچه دلش خواسته اراده کرده ، تصمیم گرفته ، عمل نموده .  
بر اثر استمرار چنین سیاست مطلقه ، کشور از رشد و تکامل و همزیستی و همگرایی واقعی باز ماند .  
و در این مدت زمان میلیونها انسان بیگناه هم میهن ما ، قربانی سیاست های ضد انسانی این حکام خود سر و وابسته بغیر ، گردیدند.

از تجارب تاریخی کشوری آموزیم که حکومت تک محور و تک صدا و مطلق عنان در جریان حکمروایی شان ، فقط تعرض و غضب نمودند ، تشنج آفریدند ، خون ریختند ، بدار آویختند ، قتل و کشتار کردند. و بیک کلمه ثبات و امنیت را در جامعه از ریشه خشکانیدند . که این قتل و کشتار و قربانی گرفتن ها در کل ، کم و بیش شامل تمام اقوام و گروه ها و شهروندان این کشوری شود.

برای جلوگیری از ادامه چنین سیاست تک صدایی که هنوز هم جریان دارد ، کنون بایست وقایع تاریخ را باری با دیده باز و عقلانی بازشناسی کنیم . و از آموزه های عینی تاریخ معاصر میهن مان طرح راهبردی سیاسی :

" حل اساسی مسئله ملی در افغانستان " را پیشکش نمایم . و با دل و جان در راه عملی نمودن این طرح انسانی ، گام عملی بدون هراس برداریم.

#### **چهارم : " حل اساسی مسئله ملی در خراسان - افغانستان " :**

به تاسی از آموزه مؤلفه های ساختاری حاکمیت مردم سالار ، " حل اساسی مسئله ملی در خراسان - افغانستان " هدف سیاسی ، انسانی و حقوقی است .

و عبارت اند از : واپسگیری آن ارزشهای هویت فرهنگی و تاریخی و ملی سرزمین خورشید است که در روند سده های اخیر بوسیله حاکمان ستمگستر و وابسته بغیر ، از جای تاریخی و بومی اش بیجا شده و باید دوباره بسر جایش آورده شود. تا زمانیکه این خشت های ارزشمند تاریخی بیجا شده - دوباره در جایش سفت نگردد ، هیچگاه دیوار های واقعی صلح و آزادی و همبستگی ملی با این مهندسی های اهریمنی تعمیر نخواهد شد.

در واقعیت امر مرام این سند تاریخی ایجاد ملت یک پارچه خراسانی بر مبنای ارزشهای عینی تاریخی و فرهنگی و علمی حوزه تمدنی خراسان بزرگ ، در جغرافیای سیاسی کنونی کشور ماست . این راهبرد سیاسی مولد همبستگی ، عدالت اجتماعی ، صلح و آزادی می باشد. و آن ارزشها بترتیب در مؤلفه های زیر ::

#### **اول - استقرار هویت ملی :**

که شامل دوناگرش :

- 1 - تغییر نام افغانستان به خراسان مدخلی در راه صلح جاویدان ؛
- 2 - تسجیل زبان فارسی در قانون اساسی بمنزله زبان تفاهم ملی .

#### **دوم - استقرار امنیت ملی :**

شامل دو نگرش :

- 1 - شناسایی خط دیورند بمنزله مرز مشترک بین المللی میان افغانستان و پاکستان .
- 2 - تغییر اساسی در تمام اساسات خدماتی و تشکیلاتی قواعد و اصول رزمی و دفاعی قوای مسلح افغانستان .

#### **سوم - استقرار حقوق ملی :**

شامل ارزشهای :

- 1 - استقرار نظام پارلمانی و انتخابی بودن تمام ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی ،
- 2 - تغییر قانون اساسی بر مبنای ارزشهای پذیرفته شده حاکمیت مردم سالار ،

- 3 - انجام سرشماری دقیق نفوس و توزیع شناسنامه های شهروندی همه پذیر خراسانی
- 4 - وده ها مؤلفه های سیاسی و حقوقی دیگریکه صیانت و خوشبختی انسان شهروند را ضمانت قانونی می نماید.

### سلامت و سرفراز باشید

منابع و مأخذ

- 1 - رجوع شود به کتاب " حبیب الله کلکنی مردی در حریق تاریخ " ، نویسنده : دکتر خلیل الله وداد «بارش» ، ص 77 .
- 2 - رجوع شود به " دانشنامه آزاد " بخش : نادر شاه .